



25 آگست 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

## شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف در کشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش چهارم

### جایگاه معارف و نظریات محمود طرزی در تحول کلی دوره امانی:

در دوره سلطنت امیرحبيب الله خان با برگشت سه خانواده سرشناس و بانفوذ و اما مغضوب امیر عبدالرحمن خان به وطن تحولاتی به میان آمد که هریک برای سه هدف متفاوت در حرکت افتادند: خانواده سردار یحیی خان (یحیی خیل) از همان آغاز بطور بسیار زیرکانه برای رسیدن بقدرت و سلطنت تلاش کردند، محمود طرزی (به حیث یک شخص با خانم و دخترش ملکه ثریا و نه به حیث یک خانواده) کوشید تا بنیان تحول را با نوشتن مقالات و کتابها در جامعه عنعنوی کشور براه اندازد و خانواده بزرگ شاغاسی شیردل خان لویناب (پدر علیا حضرت مادرشاه امان الله) که خودش در عصر امیرشیرعلی خان وفات کرده بود، اما پسران و بنی اعمامش (شاغاسی خیل) کمر بستند تا از شاه امان الله و استحکام سلطنت او (البته بعداً با یکی دو استثنا) حمایت نمایند. شخصیت های محافظه کار مذهبی (خانواده حضرات) چون بعداً با برنامه های شاه امان الله مخالف شدند، بیشتر به نفع خانواده یحیی خان موقف گرفتند. به این اساس محمود طرزی که در عین زمان حیثیت خسر (پدرخانم) دو شاهزاده (عنایت الله خان و امان الله خان) را داشت، در موقف خاصی در دوره امانی قرار گرفت که افکار تجددخواهانه او در ذهن شاه امان الله از زمان شهزادگی به بعد نفوذ کرده و هادی تحول بعدی گردید.



شناخت محمود طرزی و پی بردن به عمق افکار این بزرگمرد افغان بدون پرداختن و شرح احوال زندگی پرماجرایی او به آسانی میسر نمیشود، زیرا او با گرم و سرد حوادث در روزگار جوانی و دوران مهاجرت و بعد از برگشت به وطن مواجه شده و هر دوره آن برایش پراز تجربه و کسب دانش بود که بعدها او را به یک شخصیت ممتاز و الیامقام در ابعاد مختلف دینی، اجتماعی، فلسفی، ادبی و سیاسی عصر خود مبدل کرد.

محمود طرزی در سال 1245 ش (1866)، حینیکه مادرش از کابل جانب قندهار در سفر بود، در وسط راه در حواشی غزنی چشم به جهان کشود. هنوز هژده ساله نشده بود که پدرش غلام محمد خان طرزی شاعر و شخصیت سرشناس عهد امیر دوست محمد خان و امیر شیرعلی خان (با اهل و عیال) به حکم امیر عبدالرحمن خان به هند برتانوی تبعید گردید و آنها پس از اقامت دوساله در هند عزم سفر به ترکیه عثمانی کردند. در سال

1246 ش (1885) پدرش در دربار سلطان عثمانی باریاب شد و به حیث مهمان دولت اجازه اقامت در آن سرزمین یافت و در ولایت سوریه در شهر امروزی "شام یعنی دمشق" اقامت گزید. محمود طرزی در آنجا با بزرگان و دانشمندان نخست در حلقه دوستان پدر و بعد در حلقه دوستان جوان خود آشنا شد و به فعالیت های تحقیقاتی و شناخت پدیده های عصری پرداخت. او با استعداد سرشاری که در کسب علم و دانش داشت، به زودی بیک چهره سرشناس تبدیل گردید. در سال 1270 ش (1891) با دختر جوان بنام "اسماء رسمیه" دختر خطیب مسجد "اموی" ازدواج کرد که ثمره آن جمعا سه دختر و چهار پسر بود. طرزی در سال 1275 ش (1896) از دمشق به استانبول آمد و بنابر توصیه پدر با علامه بزرگوار سیدجمال الدین افغان معرفت پیدا کرد و مدت هفت ماه را در پای صحبت با سید گذشتاند. طرزی در فضیلت دیدار با سید میگوید: «علامه یک معدن عرفان بود، از این هفت ماه مصاحبت بقدر هفتاد سال سیاحت دانش اندوختم.»

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی ښی پازوالي دلیکوال په غاره ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په څیر و لولئ

طرزی پس از وفات پدر و همچنان وفات امیر عبدالرحمن خان هوای دیدار وطن بر سرش زد و در آغاز سلطنت امیر حبیب الله خان در سال 1281 ش (1902) به افغانستان آمد و ضمن باریابی به حضور امیر از هدف سفرش مبنی بر تشدید مناسبات افغانستان و ترکیه یاد کرد، ولی امیر از او خواست تا به وطن برگردد. در سال 1284 ش (1905) محمود طرزی پس از 12 سال مهاجرت و اندوخته بسیار پربها از دانش و افکار جدید با خانواده و فرزندان خود به کشور برگشت. او به سرعت در بین جوانان و اهل دربار کسب رسوخ و شهرت کرد و با اندیشه ملی گرایان افغان که از سیاست استعماری انگلیس در کشور و منطقه رنج می بردند، همگام و همنا گردید. طرزی در سال 1291 ش (1912) به حیث محرر جریده "سراج الاخبار" شروع به کار کرد و دیری نگذشت که محتوای پرفیض نوشته های او، مورد استفاده اهل دانش جدید در داخل و خارج کشور قرار گرفت. در همین دوره است که افکار شهزاده امان الله خان زیر نظر طرزی و یک عده شخصیت ها مبارز هندی مقیم کابل رشد کرد که در دوره سلطنت شاه امان الله همین نظریات و افکار مبنای فکری و عملی شاه جوان را تشکیل داد.

طرزی در دوره امانی دوبار به حیث وزیر خارجه و دوبار ریاست هیئت مذاکرات با جانب انگلیسی (معاهده مسیوری 31 حمل 1299 ش (20 اپریل 1920) و معاهده کابل (فبروری 1921) را به عهده داشت و مدتی نیز به حیث وزیر مختار در فرانسه مقرر شد و پس از سقوط رژیم امانی از راه هرات به ایران و از آنجا به استانبول مقیم گردید و در سال 1312 ش (1933) در آنجا وفات کرد.

علامه طرزی صاحب آثار و نوشته های فراوان است که بعضی در سراج الاخبار و برخی به حیث کتب و رسائل مستقل به چاپ رسیده است و تعداد آن به چهل اثر میرسد. بیشتر آثار او که به شکل کتاب به نشر رسیده، آثاریست که از زبان ترکی به دری ترجمه کرده است و در اکثر این آثار مطالب ارزنده و مثالهای عملی در مورد پدیده های عصری از جمله موضوعات ملتگرایی، اسلام و تجدد و نیز انکشاف علم و تکنالوژی منعکس گردیده که مطالعه آن در بین قشر جوان کشور تأثیر عمیق و گسترده بجا گذاشته است. محمود طرزی با ورود خود به افغانستان افکار جدید را با خود آورد که بطور عموم میتوان گفت: نظریات و افکار او مبنای ایدئولوژیک دوره امانی را تشکیل میدهد که فشرده نظریات او را چنین خلاصه کرد:.

**1 - درک روحیه واقعی اسلام:** طرزی مثل سیدجمال الدین افغان عقیده داشت که: بقای اسلام و ملل مسلمان مربوط به درک روحیه واقعی اسلام است که عاری از نفوذ حکمرانهای مستبد و علمای جاهل میباشد، زیرا همین ها اند که به هدف بر آوردن منافع خود، اسلام را از واقعیت های آن دور و ملل اسلامی را ضعیف می سازند. طرزی طی مقاله در سراج الاخبار می نویسد: «علما و مشایخ حقیقی که رهنمای شهره حقیقت بودند و از حق گوئی و محبت به دین از هیچ چیز چشم شان خم نمی خورد، از میان محو و نابود شده بجای آنها از بسیار وقت هاست که علمای سوء قایم گردیدند و در لباس آن علما و مشایخ عظام، برای منافع ذاتی و نفس پرستی خود شان زمامداران امور جمهور عالم اسلام را از عصر هاست که به عظمت و جبروت و از درجه بشریت به ملکوت ارتقا دادند. (سراج الاخبار، جلد 6، مورخ 16 جوزا 1296 - مطابق 6 جون 1917)

**2 - تجدد گرایی و وطن دوستی:** طرزی معتقد بود که عشق به وطن و تجددگرایی دو روی یک سکه اند. او وطن دوستی را وظیفه دینی هر مسلمان میدانست و می گفت: چون تجدد طلبی و ترقی با دفاع وطن انفکاک ناپذیر است، لذا آموزش و کسب علم وظیفه ایمانی هر وطن دوست محسوب میشود. او با پندار بسیاری از مؤسسات و علمای دینی که تجدد گرایی را بدعت تلقی میکردند، موافق نبود. همین طرز تفکر طرزی بود که حداقل را بین تجدد گراها و عنعنه گراهای افراطی که اغلب در لباس دین درآمد بودند، به وجود آورد و اصطکاک آن آتش اغتشاش را در افغانستان شعله ور ساخت.

**3 - اسلام و علوم جدید:** طرزی تلاش کرد به مردم واضح سازد که علوم جدید مخالف اسلام نیست. او مثالهای زیاد ارائه کرد که چگونه علوم معاصر از انکشاف علوم توسط مسلمانها در قرون وسطی بهره مند شده است و اکنون زمان آن رسیده که کشورهای اسلامی از علوم و اختراعات اروپائی استفاده نمایند. او می گفت: غفلت در اشاعه و تطبیق تعقل، زیان بزرگ به خود انسان، به جامعه و به اسلام دارد. به نظر او علت عقب ماندگی مسلمانان در نقص ذاتی اسلام نیست، بلکه سبب آن انحراف مسلمانان از ارشادات واقعی اسلام است. طرزی اسلام را بر مبنای عقل استوار میدانست و به حدیث مبارکه استناد میکرد که: «دین مسلمان عقل اوست، آنرا که عقل نیست دین هم نیست، زیرا عقل است که مستوجب تکلیف احکام دینی میشود.»

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

4 - شناخت جامعه، استفاده از ساینس و تکنالوژی و انکشاف صنایع: برتری اروپائی ها در عصر حاضر ناشی از پیشرفت آنها در زمینه های اقتصادی، علمی، تکنالوژیکی و فرهنگی است. افغانستان و سایر کشورهای اسلامی وقتی با آنها برابری میتوانند که جامعه را بشناسند، ساینس و تکنالوژی جدید را در آن بکار بگذارند و به انکشاف صنایع بپردازند. طرزی تقلید کورکورانه اروپائی را نمی خواست و مثال جاپان را میداد که چگونه با حفظ ارزشهای ملی خود توانست از مزایای تکنالوژی اروپائی بهره مند شود.

5 - «زنان نیم پیکره مردان در جامعه هستند»: طرزی با تأکید بر نقش برجسته زنان در دوران خلافت عباسی می گفت: زمانیکه تمام زنان و مردان اروپا بیسواد بودند، زنان مسلمان به حیث شاعر و هنرمند و حتی در مقامهای اداری کار میکردند. او در مورد اهمیت تعلیم و تحصیل زنان استدلال میکرد که: فقط زنان تعلیم یافته و منور میتوانند همسران و مادران خوب باشند و همین زنان هستند که اطفال را که آینده متعلق به آنها است، بار می آورند. طرزی به استناد حدیث مبارک که «زنان نیمی از پیکره مردان اند»، استدلال میکرد که بدون پیشرفت این نیمه اجتماع نمیتوان نیمه دیگر آنرا بطور کامل و سالم انکشاف داد. او می گفت که اسلام بر مبنای مساوات بین همه اعم از زن و مرد استوار است و میخواست بدینوسیله احساس خودآگاهی و اعتماد به نفس را به منظور تقویة تفکر معقول و "دفاع از خود" بین زنان کشور ایجاد نماید. به نظر او: این هدف وقتی برآورده می شود که زنان تعلیم یافته و آگاه شوند تا بتوانند برای فامیل، فرزندان و در نهایت برای جامعه عناصر مفید و فعال بار آیند. اوحی اصرار میکرد که نقش تعلیم و تربیة زنان اگر بالاتر از مردان نیست، به هیچ وجه کمتر از آنان نمی باشد. اینجاست که طرزی اولین مرد متفکر در نهضت زنان کشور بود و نظریات او سرلوحه اساسی اقدامات رژیم امانی در مورد زنان محسوب میشود که اینهمه انگیزه و بهانه بزرگتر قیامها در برابر دولت گردید.

6 - مبارزه با خرافات و نقش تعلیم و تربیه: کوتاهی علمای دینی در رهنمائی درست مؤمنین، نه تنها به بی خبری و نا آگاهی همه جانبه از دنیا انجامید، بلکه به پذیرش افکار و اعمال غیراسلامی نیز منجر شد که در اثر آن عقاید عامیانه و خرافات جاگزین دین عقلی گردید و مسلمانها تدریجاً اعتماد به نفس، اتحاد و نیرومندی را با قوه تحرک و بالاخره نقش رهبریت در علوم و فرهنگ از دست دادند. (کتاب: "رویداد لویه جرگه 1303، صفحه 68 - 69)

در این ارتباط لازم به تذکر است که افکار طرزی در مورد فرهنگ و تعلیم و تربیه در افغانستان شباهت با افکار سیداحمد خان بریلوی در هند دارد که موصوف تمام زندگی خود را وقف کرد تا تعصبات و خرافات اسلامی را که مدنیت غرب بر طرف کند. این همان اندیشه بود که "ترکان جوان" درباره "اسلام مدرن" درپیش گرفته بودند، با این تفاوت که سیداحمدخان میخواست رابطه مسلمانان هند را با انگلیس ها دوستانه سازد، درحالیکه طرزی تجدیدگرایی را یگانه وسیله میدانست که مسلمانان توسط آن در برابر قوتهای استعماری انگلیس مقاومت نمایند. بنابراین جهان بینی سیاسی طرزی به تاسی از پان اسلامیزم سیدجمال الدین افغان و "جنبش ترکهای جوان" در افغانستان بیشتر از نفوذ افکار وارد شده از هند بود و به همین دلیل ترکها در دوره امانی در افغانستان نقش فعالتر بازی کردند.

7- پان اسلامیزم و ناسیونالیزم: طرزی در برابر نفوذ قدرتهای استعماری در کشورهای اسلامی جداً از وحدت مسلمانها (پان اسلامیزم) دفاع میکرد و معتقد بود که: مسلمانها متعلق به یک امت هستند و امت تمام واحد های سیاسی را در "وطن" که مردم آن ملت را تشکیل میدهد، دربر میگیرد. بناً پان اسلامیزم و ناسیونالیزم (ملتگرایی یا ملیگرایی) نقیض همدیگر نیستند. به نظر او: « ملت بدون وطن، وطن بدون ملت و هر دو بدون حکومت و حکومت بدون پادشاه مثل موتریست بدون انجن.»

از شرح مختصر فوق به وضاحت بر می آید که توجه جدی شاه امان الله به معارف مرهون نظریات تجدیدخواهان همین شخصیت آگاه و دانشمند بود که کوشید بین اسلام واقعی و مدنیت عصری پلی استوار بنا کند و ذهنیت محافظه کارانه علمای عنعنوی را بسوی واقعیت های اسلام رهنمون شود. افکار عالی این متفکر عصر تا هنوز که هنوز است از ارزش خاص برخوردار بوده و در راه تحول جامعه بسوی تجدد باید سرمشق نسل های آینده باشد. کاش حکومت های بعدی جسد او را مثل علامه سیدجمال الدین افغان بعداً به کابل می آوردند و در جوار استاد بزرگوارش مدفون میکردند، زیرا کسیکه استحقاق این افتخار را دارد، فقط علامه طرزی بود که متأسفانه تا اکنون به دلیل مخالفت محمد نادرشاه با او و نیز بدبینی محافظه کاران مذهبی به این موضوع هیچ توجه صورت نگرفته و مقبره این شخصیت والامقام هنوز در بیرون کشور در استانبول - ترکیه قرار دارد. امید میکنم روزی فرا رسد که این آرمان تحقق پذیرد و رمیم عظام او به وطن برگردانده شده و در جوار استادش در ساحه پوهنتون کابل دفن گردد.

## **تحولات عمیق و همه جانبه:**

شاه امان الله بعد از حصول استقلال و برقراری روابط سیاسی با بساکشورهای جهان که بعداً به آن مختصر اشاره می‌گردد، تمام نیروی خود را متوجه اصلاحات اداری، اجتماعی و سیاسی کشور کرد چنانچه در زور عیداضحی 1303 ش (1923) خطاب به مردم گفت: «امروز روز قلم است، نه روز شمشیر!» (آدامک، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم پوهاند محمدفاضل صاحبزاد، چاپ دوم، پشاور، 1370، صفحه 116)

اصلاحات عصرامانی را بطورکمال میتوان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از 1919 تا 1923، دوره دوم از 1925 تا اواخر 1927 که البته اغتشاش خوست (1923-1924) مرحله اول و دوم را از هم جدا میکند و دوره سوم بعد از عودت از سفر اروپا (جون 1928) تاختم دوره سطننت (جنوری 1929).

از آنجائیکه بحث مفصل پیرامون هریک از نوآوریها از موضوع بحث این کتاب بدور می‌رود، لذا با ذکر مختصر آنها بسنده کرده و صرف توجه را به موضوع انکشاف معارف به حیث مبحث اصلی در این نوشته معطوف می‌داریم:

### **1 - در ساحت سیاسی و اداری:**

- تاسیس شورای دولت به حیث مرجع تسوید قوانین.
- تشکیل کابینه به شکل جدید و تدویر منظم مجلس وزرا.
- تاسیس مجالس مشوره در ولایات.
- تجدیدنظر کامل بر تشکیلات اساسی افغانستان (متشکل از پنج نایب الحکومگی و چهار حکومت اعلی)
- تدویر لویه جرگه به حیث مرجع عالی تصمیم گیری ملی در کشور (1301 در جلال آباد، 1303 در کابل پغمان و 1307 در پغمان)؛ قابل تذکر است که ماهیت این لویه جرگه ها از لویه جرگه های تاریخی فرق دارد.
- تصویب اولین قانون اساسی زیر عنوان اصول اساسی دولت علیه افغانستان".
- تقویه پولیس شهری (پولیس بایسکل سوار).
- برقراری روابط سیاسی باکشورهای خارجی، تبادل سفرا و گشودن سفارتخانه ها.
- لغو سیستم "هشت نفری" در مکلفیت عسکری و بجای آن عام ساختن خدمت زیر بیرق برای همه جوانان.
- تثبیت بیرق ملی (سیاه، سرخ، سبز، بانیشان مخصوص آن)
- توزیع تذکره نفوس برای اتباع افغانستان.

### **2 - در ساحت اجتماعی و فرهنگی:**

- اعلام آزادی کنیز و غلام.
- قطع معاشات مستمری اعضای خانواده شاهی، درباریان و سران قبایل.
- الغای القاب رسمی و امتیازات مربوطه که قبلاً مروج بود.
- قطع کمک های پولی برای ملاها و الغای (پیری مریدی) برای منسوبین عسکری.
- تغییر در مسائل نکاح، عروسی، ختنه سوری، و همچنان فاتحه و مراسم عزاداری.
- تغییر در مورد طرز لباس و از همه مهمتر حجاب زنان.
- تغییر رخصتی عمومی هفته از جمعه به پنجشنبه.

### **3 - در ساحت اطلاعات عامه:**

- تنظیم امور مطبوعاتی و تشکیل ریاست مستقل مطبوعات.
- بکار انداختن دستگاه رادیو (برای عموم مردم) در کابل.
- سینما برای عموم مردم.
- نشر جرید آزاد غیر دولتی (انیس 15 ثور 1306).
- نشر اولین جریده برای زنان بنام (ارشادالنسوان).

### **4 - در ساحت اقتصادی**

- وضع قوانین مالیاتی و تعدیل مالیه از جنس به نقد.
- ترتیب بودجه دولت بطور عصری برای اولین بار.
- تعیین واحد پولی "افغانی" بجای روپیه کابلی.

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

--- نشرپول کاغذی (برای اولین بار و استفاده آن در پروژه ساختمانی قصر دارالامان).

--- فروش زمین های دولتی به مردم و توسعه ملکیت خصوصی.

--- تشویق تشبثات خصوصی در سکتور صنعتی.

--- توسعه تجارت خارجی (از 1920 تا 1925 صادرات کشور از 50 ملیون فرانک به یک بلیون فرانک رسید.

(استیوارت، ریه تالی: "آتش در افغانستان 1919 - 1929"، مترجم: یار محمد کوهسار کابلی، چاپ اول، پشاور،

1380، صفحه 213)

## **5 - در ساحت تعلیم و تربیه:**

--- تاسیس و توسعه مکاتب عالی و تدریس زبانهای خارجی و علوم جدید، از جمله تاسیس مکتب امانی و مکتب امانیه

و مکتب "ملک زاده ها" در کابل، انکشاف مکتب حبیبیه و دارالمعلمین.

--- ایجاد انجمن معارف و تعلیم و تربیه اجباری و مجانی و انکشاف مکاتب ابتدائی در نواحی مختلف شهر و اطراف

کشور.

--- تاسیس اولین مکتب نسوان بنام "مکتب مستورات".

--- تاسیس مکاتب مسلکی اصول دفتری، اصول تحریر، زراعت، صنایع، قضاوت، حکام، مساحت، دارالعلوم و

دارالحفاظ.

--- طبع کتب درسی (نخست در لاهور بعداً در کابل).

--- تدویر کورسهای سواد آموزی برای کلانسالان.

--- تاسیس انجمن "پشتون مرکه" برای تقویه زبان پشتو.

--- توسعه پروگرامهای ورزشی برای شاگردان معارف.

--- اعزام بیش از یکصد متعلم افغان به اروپا جهت تحصیل (برای اولین بار).

--- اعزام 16 دختر افغان در ترکیه برای تحصیل قابلیتگی (برای اولین بار)

## **6 - در ساحت ساختمانی و خدمات عامه:**

--- بنای شهری جدید کابل به شکل عصری (دارالامان).

--- تمدید یک خط ریل شهری از مسجدشاه دوشمشیره (رح) تادارالامان.

--- اعمار میدان هوایی کابل و استفاده از طیاره (در ساحت ملکی و نظامی)

--- توسعه شاهراه ها و سرکها در اطراف و اکناف کشور و توسعه ترانسپورت موتوری.

--- تاسیس شفاخانه مستورات.

--- انشای امور پست و مخابرات و تاسیس یک اداره مستقل برای آن.

شاه امان الله به فکراینگه افغانستان از این به بعد دیگر زیر تهدید خارجی قرار نخواهد گرفت، چندان توجه جدی

برای استحکام قدرت نظامی کشور نکرد و به این عقیده بود که یک اردوی کوچک، ولی مجهز با وسایل عصری

برای حفظ امنیت داخلی کافی خواهد بود. او تلاش کرد تا قوای هوایی را ایجاد و تقویه کند و نیز به خریداری اسلحه

پرداخت، بخصوص در طول سفر خود در اروپا که سلاح مذکور در موقع لازم به دسترس او نرسید (یکی از تفاوت

نظرهای اساسی شاه با نادرخان همین موضوع بود). علاوتاً اغتشاش خوست که ظاهراً در برابر نوآوری های دوره

اول ولی در واقع به تحریک انگلیسها در مارچ 1924 (1303) آغاز گردید و تا جنوری 1925 ادامه یافت، صدمه

بسیار جدی به بنیه اقتصادی و نظامی کشور وارد کرد و با تنقیص شدید بودجه نظامی توانائی دولت را در برابر قیام

های بعدی در کشور ضعیف شد که عدم توجه لازم به تقویه بنیه نظامی یکی از مهمترین علل سقوط او را تشکیل میداد.

بطور خلاصه میتوان گفت که طی دوره اول (1919 تا 1924) بعد از حصول استقلال، شاه کوشید تا برخرابه های

نظام کهنه قبایلی، شالوده یک دولت عصری را بر مبنای قانون و نظم به وجود آورد، اصلاحات اداری در داخل

اورگان حکومت، انفاذ قانون اساسی و احترام به آزادیهای فردی، وضع قوانین و نظامنامه ها در ساحت مختلف (بیش

از 70 نظامنامه)، رجوع به نظر مردم و فراخواندن لویه جرگه به حیث یک مرجع عالی تقنینی، اصلاحات امور مالی،

توجه به امور معارف و برای اولین بار افتتاح مکاتب نسوان و تساوی حقوق زن و مرد، از بین بردن امتیازات و معاشات

مستمری بعضی خانواده ها و القاب شان همه از جمله نوآوریهای مهم و بسیار بحث انگیز بودند. مسلم است که بسیاری

از این نوآوریها به منافع کلی طبقات صاحب امتیاز از جمله خوانین، زمین دارها، خانواده های اشرافی و به خصوص

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

یک عده روحانیون متعصب صدمه رسانید و به تحریک انگلیس ها که مثل پلنگ زخمی از استقلال خواهی شاه امان الله و اثرات آن در سرزمین هند درصدد انتقام از او بودند، قیام خوست را براه انداختند و آنرا به یک جنگ تمام عیار درمقابل دولت تبدیل کردند تا بدانوسیله افغانستان را از مسیر تحول مزید باز دارند و بار دیگر آتش جنگ داخلی را درکشور شعله ورسازند. ( برای معلومات مزید درباره نوآوریها و عکس العمل محافظه کاران افراطی منتج به قیام خوست "جنگ منگل" گردید، مراجعه شود به: غبار، میرغلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ"، جلد اول، چاپ ایران، صفحات 789 تا 811)

(ادامه دارد)

---

د پانیو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ